نگاه شهری

بلندمرتبه‌سازی در گیلان؛ ترند مدیریت شهری یا تیغ دولبه؟

سینا لطف‌پور
فعال حوزه شهری

نظام برنامه‌ریزی و ساختار قانونی و اجرائی کشور طی دهه‌های متمادی به تدوین اصول و ضوابطی منجر شده است که براساس آن، مدیریت و اداره کشور با نقش‌آفرینی اشخاص حقیقی و حقوقی و در چارچوب قوانین، اقدام به اتخاذ تصمیم‌ها و رویکردهایی می‌کند؛ تصمیم‌هایی که آثار و پیامدهای آنها تا درونی‌ترین لایه‌های زندگی شهروندان نفوذ کرده و آینده سرزمین را ترسیم می‌کند. در این میان، برخی مفاهیم و کلیدواژه‌ها مانند یک «مد» یا گرایش مقطعی، در بازه‌های زمانی خاص به کانون توجه نظام قانون‌گذاری و اجرائی تبدیل می‌شوند. کارنامه این مفاهیم را می‌توان در پیامدها و عواقب آنها در دوره‌های گذشته بررسی و ارزیابی کرد. بااین‌حال، آنچه از مدیریت هوشمند و برنامه‌ریزی خردمندانه انتظار می‌رود، نه صرفا واکنش به روندها، بلکه آینده‌نگری و پیش‌بینی پیامدها پیش از وقوع آنهاست.

در این چارچوب، مفهوم «بلندمرتبه‌سازی» از جمله راهبردها و رویکردهایی است که با پشتوانه‌ای نظری و بر مبنای نیازسنجی‌های علمی و فنی وارد ادبیات اجرائی و برنامه‌ریزی شهری شده است. با وجود این، فقدان نگاه جامع و آینده‌پژوهانه در به‌کارگیری این رویکرد می‌تواند مانند سمی مهلک، حیات شهری و کیفیت زندگی شهروندان را با مخاطرات جدی مواجه کند. بلندمرتبه‌سازی که در ذات خود با هدف صرفه‌جویی در مصرف زمین و افزایش بهره‌وری از این کالای کمیاب و غیرقابل جایگزین دنبال می‌شود، در صورت اجرای ناصحیح و جانمایی نامناسب، نه‌تنها به اهداف اولیه خود دست نمی‌یابد، بلکه می‌تواند آنها را نقض کند. پیامدهایی همچون تشدید آلودگی هوا، کاهش آرامش و آسایش محیطی، فشار مضاعف بر شبکه حمل‌ونقل شهری و در نهایت تضعیف «زیست‌پذیری» شهر، از جمله آثار محتمل چنین رویکردی است.

به بیان دیگر، بلندمرتبه‌سازی نه ذاتا مفهومی مخرب و نه اساسا راهبردی بی‌پایه است، بلکه این چگونگی جانمایی، مقیاس، مکان و نحوه مداخله است که به آن ماهیتی مثبت یا منفی می‌بخشد. مکان‌یابی پهنه‌ها و نقاط مناسب برای بلندمرتبه‌سازی، به‌ویژه در محدوده‌های شهری، نیازمند نگاهی جامع‌الاطراف و دربرگیرنده ابعاد اجتماعی، حمل‌ونقلی، ظرفیت بارگذاری جمعیت، تراکم جمعیتی، زیرساخت‌های شهری، مدیریت پسماند، هویت فرهنگی، اشراف بصری و حریم خصوصی است. بدیهی است نمی‌توان تمام این ملاحظات عمومی و همه‌شمول را فدای گردش سرمایه و منافع اشخاص یا گروه‌های خاص کرد. استان گیلان، در شرایط کنونی و در پی تغییرات اقلیمی، ناترازی‌های انرژی و افزایش آلودگی‌ها در بسیاری از پهنه‌های سرزمینی کشور، به یکی از مقاصد اصلی مهاجرت‌های داخلی و توسعه خانه‌های دوم تبدیل شده است. بی‌برنامگی و فقدان رویکرد مناسب در مواجهه با این تحولات و در جانمایی تأمین مسکن مورد نیاز، موجب شده است «بلندمرتبه‌سازی» به عنوان یک ترند، بیش از پیش وجاهت یابد. بااین‌حال، آنچه کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، ضرورت ارزیابی‌های آینده‌پژوهانه و مکان‌یابی دقیق این پروژه‌هاست. تعریف و برنامه‌ریزی پروژه‌های متعددی که این روزها مطرح شده و بعضا در حال اجرا هستند، عمدتا در مراکز اصلی شهر و پهنه‌هایی با تمرکز بالای جمعیت و تولید سفر قابل توجه جانمایی شده‌اند؛ پهنه‌هایی که حتی در وضع موجود نیز از منظر ترافیکی جزء شریان‌های مسئله‌دار شهر محسوب می‌شوند. از جمله این پروژه‌ها می‌توان به پروژه موسوم به «جام‌جم» با زیربنای حدود ۲۳۸ هزار مترمربع در قالب ۱۳ بلوک (با ارتفاع برخی بلوک‌ها تا ۲۵ طبقه) و همچنین پروژه «گیل‌لند» با کاربری تجاری-خدماتی در قالب پروژه سرمایه‌گذاری شهرداری رشت اشاره کرد. هر دو پروژه در مجاورت معابر پرتردد شهری و در اتصال با مقاصد جاذب و مولد سفر قرار دارند.

این در حالی است که شهر رشت که در مقیاس منطقه‌ای به عنوان الگویی برای سایر شهرها تلقی می‌شود، در ارزیابی بسیاری از شاخص‌های شهرسازی و مدیریت شهری، در سطحی حداقلی قرار دارد. تداوم چنین رویکردهایی می‌تواند شکاف میان ظرفیت‌های واقعی شهر و حجم مداخلات کالبدی را تشدید کند. در مجموع، به نظر می‌رسد بلندمرتبه‌سازی به عنوان گرایش غالب این روزهای مدیریت شهری و استانی، به تیغی دولبه تبدیل شده است؛ تیغی که به‌جای تحقق بهره‌وری در مصرف زمین و جلوگیری از تغییر کاربری‌های گسترده، به بریدن شریان‌های حیاتی زیست شهری نزدیک شده و دستیابی به شهر انسان‌محور، آرام و زیست‌پذیر را بیش از پیش به رؤیایی دست‌نیافتنی بدل می‌کند.

واکنش انجمن اتیسم به گزارش «شرق»

انجمن اتیسم در پاسخ به گزارش شرق با عنوان «در انجمن اتیسم چه می‌گذرد؟» جوابیه‌ای را به دفتر شرق صادر کرد. متن جوابیه انجمن اتیسم به این شرح است:

روایت انجمن اتیسم ایران از آنچه واقعا می‌گذرد؛ در ابتدای گزارش روزنامه شرق، مجموعه‌ای از تیترها به‌عنوان «اخبار منتشرشده درباره انجمن اتیسم ایران» ذکر شده است؛ ازجمله: «یک دورهمی لاکچری با پول خیران»، «دادستانی ورود کند»، «حیاط‌خلوت انجمن اتیسم» و... . این عناوین که اغلب برگرفته از گزارش‌های منتشرشده در برخی رسانه‌ها هستند، پیش از آنکه بر مبنای اسناد رسمی، آرای مراجع ذی‌صلاح یا نتایج بررسی‌های قانونی شکل گرفته باشند، بر پایه حدس، گمان، نقل‌قول‌های غیرمستند و فضاسازی رسانه بنا شده‌اند. به بیان دقیق‌تر، این تیترها نه گزارش قضائی‌اند، نه نتیجه بازرسی رسمی، و نه حتی حاوی ارجاع به یک مرجع قانونی مشخص؛ بلکه صرفا بازتاب‌دهنده مجموعه‌ای از اتهامات رسانه‌ای‌اند که تا این لحظه، هیچ‌کدام مبنای قانونی پیدا نکرده‌اند. انتخاب این عبارات به‌عنوان نقطه آغاز گزارش، آن هم بدون هیچ‌گونه تفکیک میان «اتهام رسانه‌ای» و «تخلف اثبات‌شده»، عملا ذهن مخاطب را پیشاپیش به سمتی هدایت می‌کند که گویی مسئله احرازشده و قطعی در جریان است؛ درحالی‌که در واقعیت، آنچه وجود دارد، مجموعه‌ای از ادعاهاست که هنوز نه در مرجع قضائی رسیدگی شده و نه از سوی نهادهای نظارتی ذی‌ربط تأیید شده است. از سوی دیگر، خبرنگار محترم در همان بند آغازین گزارش تصریح می‌کند که از ابتدای پاییز سال ۱۴۰۴ بر این موضوع متمرکز بوده و اکنون به «گزارشی روشن» دست یافته است؛ گزارشی که بنا بر ادعای متن، «خواندن هر خط آن لزوم ورود نهادهای ناظر را نشان می‌دهد». با این حال، در سراسر گزارش نه رأی قضائی ارائه شده، نه گزارش بازرسی رسمی، نه اعلام نظر مرجع نظارتی و نه حتی ارجاع دقیق به تخلف قانونی مشخص. تمرکز زمانی خبرنگار، هر اندازه هم طولانی، جایگزین سند نمی‌شود احساس قطعیت، بدون پشتوانه حقوقی، همچنان در حد برداشت رسانه باقی می‌ماند. این شیوه روایت، یعنی آغاز با فهرستی از تیترهای پرهیجان، القای فضای اتهام، و سپس ارائه مجموعه‌ای از نقل‌قول‌ها و تفسیرهای غیرمستند، نه‌تنها با استانداردهای گزارش تحقیقی همخوانی ندارد، بلکه خود بخشی از مسئله‌ای است که امروز ناگزیر به توضیح آن هستیم.

ساختن فضای اتهام، پیش از اثبات اتهام

۱) «گزارش تحقیقی» یا «گردآوری نقل‌قول‌ها»؟؛ گزارش «شرق» از ابتدا با ادبیات قطعی و نتیجه‌گیری‌های سنگین آغاز می‌شود: «لزوم ورود نهادهای ناظر»، «ابهام‌های مالی»، «مجوزهای پرمناقشه» و... اما در عمل، ستون اصلی متن بر سه پایه استوار است:

- نقل‌قول‌های پراکنده (اغلب بدون ارائه سند)؛
- برداشت‌های تفسیری از عناوین سرفصل‌های مالی؛
- کنار هم چیدن گزاره‌های احساسی به‌جای معیارهای حقوقی و حسابداری؛

اگر در یک متن، به‌جای استناد به مدارک رسمی، «شنیده‌ها» و «گمان تقویت‌شده» نقش سند پیدا کند، طبیعی است که نتیجه هم بیشتر شبیه «فضاسازی» می‌شود تا «تحقیق». در چنین متنی، حتی اگر نیت خیر باشد، خروجی الزاما خیر نخواهد بود.

۲) وقتی «ماهیت خدمت» با «وجه نقد» اشتباه گرفته می‌شود؛ یکی از محورهای اصلی گزارش، القای «تناقض در گزارش‌های مالی» و «عدم انطباق پرداخت‌ها با بسته‌های خدمت» است؛ حال آنکه این نتیجه‌گیری بر یک خطای مفهومی بنا شده است. در چند بخش از گزارش چنین وانمود می‌شود که اگر خانواده «وجه نقد» دریافت نکرده، پس منابعی که برای او اختصاص یافت «هزینه نشده» یا «نامشخص» است؛ درحالی‌که در الگوهای استاندارد خدمات اجتماعی و درمانی، بخش اصلی حمایت‌ها غیرنقدی و در قالب ارائه خدمت تخصصی تعریف می‌شود؛ ازجمله توان‌بخشی، گفتاردرمانی، کاردرمانی، خدمات سلامت روان، مددکاری اجتماعی، ارزیابی‌های دوره، پیگیری، ارجاع و نظارت بر کیفیت.

به بیان روشن‌تر، «ارزش ریالی بسته خدمت» معادل «پرداخت نقدی به خانواده» نیست و اساسا نباید هم ارز فرض شود. منابعی که برای یک کودک یا خانواده تخصیص می‌یابد، عمدتا به زنجیره ارائه خدمت می‌رسد: نیروی تخصصی، زیرساخت‌های اجرائی، فرایند ارزیابی و پایش، و کنترل کیفیت؛ بنابراین مقایسه «چرا پول نقد داده نشده» با «ارزش بسته خدمت» قیاسی نادرست و گمراه‌کننده است.

اگر قرار باشد خدمات تخصصی به‌جای ارائه خدمت، به شکل وجه نقد پرداخت شود، نتیجه چیزی جز «توزیع پول بدون امکان سنجش کیفیت و اثربخش» نخواهد بود؛ رویکردی که نه با اصول حرفه‌ای ارائه خدمات توان‌بخشی سازگار است، نه با مسئولیت اخلاقی انجمن نسبت به کیفیت درمان و حمایت از خانواده‌ها. به‌همین‌دلیل گزارش‌دهی انجمن نیز برمبنای «خدمات ارائه شده و هزینه‌های واقعی تحقق آن» تنظیم می‌شود و مستندات آن در گزارش‌های رسمی حسابرسی‌شده قابل مشاهده است.

۳) «حامی گفته نمی‌دانیم پول‌ها کجا رفته»؛ اما سند رسمی در دسترس است؛ گزارش «شرق»، برای تثبیت گزاره «ابهام مالی»، به نقل قول‌هایی از برخی حامیان استناد می‌کند. انجمن اصل دغدغه حامیان را محترم می‌داند، اما یک نکته در گزارش مغفول مانده: صورت‌های مالی حسابرسی‌شده انجمن و گزارش حسابرس مستقل، عمومی و در سامانه کدال موجود است. وقتی مرجع رسمی انتشار و دسترسی عمومی وجود دارد، استفاده از عبارت‌های کلی مثل «نمی‌دانیم» بدون نشان‌دادن اینکه کدام گزارش، کدام سرفصل، کدام ردیف و کدام اختلاف مورد بحث است، عملا تبدیل می‌شود به یک «حس»؛ و حس، جایگزین سند نمی‌شود.

۴) سوءبرداشت رایج از زنجیره تولید خدمت؛ یکی از نقاط اختلاف با برخی حامیان، همان چیزی است که «شرق» هم به آن دامن زده: تصور اینکه اگر پول صرف حقوق و پشتیبانی شود، «از خدمت کم شده». درحالی‌که هر خدمت تخصصی، نیازمند یک زنجیره است: پذیرش پرونده، ارزیابی، برنامه‌ریزی، هماهنگی درمانگر، پیگیری، کنترل کیفیت، حسابداری، حقوقی، IT، گزارش‌دهی، نظارت و پاسخ‌گویی. بی‌وجود این زنجیره، اساسا «خدمت» تولید نمی‌شود. تفکیک خیالی «حقوق = بد/خدمت = خوب» بیشتر یک تصویر ساده‌پسند است تا یک تحلیل اجرائی. سازمانی که ادعا کند بدون ساختار پشتیبان، می‌تواند خدمات درمانی پایدار ارائه کند، یا تجربه اجرائی ندارد یا قصد شعار دارد.

۵) وقتی «صلاحیت صدور مجوز» وارونه روایت می‌شود؛ «شرق» در بخش مجوزها، هم‌زمان چند گزاره را کنار هم می‌گذارد تا ذهن مخاطب به یک نتیجه واحد برسد: «فعالیت درمانی بدون مجوز». اما در همان گزارش نیز آمده که: خانه‌های امید تهران با مجوز مراجع ذی‌صلاح (دانشگاه علوم‌پزشکی مربوطه) فعالیت می‌کنند؛ خانه‌های امید استانی ذیل مجوزهای استانی (از مسیرهای قانونی همان استان‌ها و نهادهای ذی‌ربط) پیگیری می‌شوند. فعالیت‌های انجمن در بسیاری از نقاط کشور «توانبخشی -آموزشی/ هماهنگی/ نظارتی» است، نه تأسیس درمانگاه مستقل.

مسئله این است که گزارش، به‌جای بررسی دقیق «نوع خدمت» و «مرجع صلاحیت‌دار صدور مجوز»، مسیر را کوتاه کرده و به یک برداشت کلی رسیده است. در حوزه مجوز، ملاک «احساس مخاطب» نیست؛ ملاک «مرجع صادرکننده و نوع مجوز» است.

۶) عدد بزرگ، بدون نسبت واقعی؛ گزارش «شرق» به کارزاری با حدود دو هزار امضا استناد می‌کند، اما تصویر ناقص ارائه می‌دهد. حتی اگر اصل اعتراض را کاملا محترم بدانیم، باز هم تحلیل حرفه‌ای یعنی: سهم امضاهای تکراری بررسی شود، نسبت امضاکنندگان عضو به کل اعضا روشن شود و مهم‌تر از همه، آیا این کارزار نماینده همه جامعه هدف است یا بخشی از آن؟ وقتی عدد بدون نسبت و بدون تحلیل داده ارائه می‌شود، «عدد» تبدیل به ابزار القا می‌شود، نه ابزار فهم.

۷) «ویکی‌تجربه»؛ منبع ارزیابی سازمان مردم‌نهاد؟؛ «شرق» برای تقویت روایت خود به «روایت‌های ویکی‌تجربه» هم متوسل می‌شود. روشن است که هر سازمانی ممکن است در تجربه کارکنان سابق با چالش‌هایی روبه‌رو باشد؛ انجمن نیز خود را مصون از نقد نمی‌داند. اما تبدیل یک پلتفرم تجربه‌محور و غیرقضائی به «مرجع اثبات سوءعملکرد» همان‌قدر دقیق است که تبدیل بخش نظرات یک پست اینستاگرامی به «گزارش حسابرسی».

۸) درخواست بررسی، معادل اثبات تخلف نیست؛ گزارش «شرق» نقل می‌کند که برخی نمایندگان خواستار بررسی شده‌اند. درخواست بررسی یک حق طبیعی است. اما گزارش، مرز مهمی را مخدوش می‌کند: درخواست بررسی یا طرح سؤال، مساوی اثبات تخلف یا صدور حکم نیست. همان‌طور که انجمن هم هرگونه بررسی رسمی را فرصتی برای شفاف‌سازی می‌داند، روایت رسانه‌ای نباید جایگزین نتیجه نهاد رسمی شود.

۹) «مطالبه‌گری» و حقوق‌ها؛ «شرق» ذیل یک عنوان مالی «مطالبه‌گری» شبهه ایجاد می‌کند، بی‌آنکه توضیح دهد مطالبه‌گری در یک NGO ملی یعنی چه: پیگیری حقوقی، ارتباط بین دستگاه، حضور در جلسات سیاست‌گذاری، مستندسازی، ارتباط، فرایندهای حقوق شهروندی، تعامل با بیمه‌ها، دستگاه‌ها و... . این کار اگر قرار باشد انجام شود، هزینه دارد. انتقال ممکن است، اما القای اینکه مطالبه‌گری باید «بی‌هزینه» باشد، بیشتر یک نگاه آرمانی است تا نگاه اجرائی.

۱۰) «اتهام‌سازی» جای اصلاح را نمی‌گیرد؛ گزارش «شرق» به موضوع همکاری همسر مدیرعامل با عددهای بزرگ و بدون نمایش سند قرارداد، شرح وظایف و مصوبه می‌پردازد و عملا نتیجه را پیشاپیش القا می‌کند. موضع انجمن روشن است: همکاری محدود، با مصوبه هیئت‌مدیره، صرفا در مرحله پیگیری‌های فنی-حقوقی مجوزهای مرکز جامع بوده و پایان یافته است؛ بااین‌حال، انجمن می‌پذیرد که به‌کارگیری بستگان -حتی با مصوبه- از منظر سرمایه اجتماعی، خطای راهبردی و شائبه‌برانگیز بوده و باید اصلاح شود. اما پذیرش «خطا» نباید بهانه‌ای شود تا متن رسانه‌ای از آن «اتهام» بسازد. خطا را اصلاح می‌کنند؛ اتهام را باید با سند ثابت کرد.

۱۱) تفکیک «مداخله درمانی» از «نقش آموزشی/ نظارتی»؛ گزارش «شرق» خود نیز در بخش پاسخ‌ها آورده که فعالیت برخی افراد، «آموزشی و نظارتی» بوده و تحت چارچوب مجوزهای مراکز انجام شده است. با این وجود، تیتر و روایت کلی گزارش، همچنان به سمت «فعالیت غیرقانونی درمانی» هدایت می‌شود. در نظام مجوزدهی، نوع فعالیت تعیین‌کننده است؛ ارزیابی اولیه/ آموزش/ نظارت با درمان بالینی مستقل یکی نیست. این تمایز در متن رعایت نشده و همین، مبنای بسیاری از سوءبرداشت‌هاست.

۱۲) مأموریت، «سفر تفریحی» نیست؛ «شرق» با لحن القایی به مأموریت‌ها می‌پردازد و هم‌زمان موضوع همراهی خانواده را طرح می‌کند. موضع انجمن روشن است: مأموریت‌ها براساس آیین‌نامه مصوب هیئت‌مدیره و با اهداف مشخص (تفاهم‌نامه، تبادل علمی، محتوا، شبکه‌سازی تخصصی) انجام می‌شود؛ هرگونه همراهی افراد غیرمعمول حتی اگر هزینه‌ها شخصی پرداخت شده باشد، از منظر شائبه‌سازی غلط است و انجمن آن را به‌عنوان خطای مدیریتی می‌پذیرد و اصلاح می‌کند؛ اما تبدیل مأموریت‌های هدفمند به «سفرهای پرهزینه بی‌دستاورد» بدون بررسی خروجی‌ها، تفاهم‌نامه‌ها و برنامه‌های پسامأموریت، همان قضاوت از روی ظاهر است؛ چیزی که در گزارش تحقیقی انتظار نمی‌رود.

۱۳) عضویت، توقف ثبت‌نام و آمار؛ گزارش «شرق» توقف ثبت‌نام در دوره‌ای را برجسته می‌کند و سپس افزایش آمار را شبهه‌برانگیز جلوه می‌دهد. در حالی که سیاست‌های ثبت‌نام ممکن است براساس ظرفیت پاسخ‌گویی، پالایش داده‌ها، جلوگیری از تکرار پرونده و ارتقای کیفیت خدمات موقتا تغییر کند. آمار انجمن مبتنی بر داده‌های داخلی، به‌روزرسانی پرونده‌ها و تجمیع اطلاعات ثبت شده است. باز هم همان مسئله: اگر قرار است شبهه مطرح شود، باید دقیق گفته شود کدام «آمار»، در کدام «بازه»، با کدام «روش ثبت» دچار اشکال است، نه صرفا با لحن القایی.

۱۴) معافیت مالیاتی؛ یک حق قانونی، نه امتیاز ویژه؛

اشاره به ماده ۱۷۲ قانون مالیات‌های مستقیم، جزء حقوق قانونی بسیاری از خیریه‌هاست و درج آن در فراخوان‌ها نه «ترفند»، نه «ابهام»، بلکه اطلاع‌رسانی حقوقی به حامیان است. تبدیل «اطلاع از قانون» به «شبهه»، بیش از آنکه به شفافیت کمک کند، فهم عمومی از سازوکار خیریه را مخدوش می‌کند.

خبر روز

عابران پیاده؛ ۲۸ درصد فوتی‌های تصادفات

سایت شهر: بررسی‌ها نشان می‌دهد در ایران حدود ۲۸ درصد جان‌باختگان تصادفات، عابران پیاده هستند. شاهین شعبانی، دانشیار مهندسی عمران دانشگاه پیام‌نور تهران در دهمین نشست از سلسله‌نشست‌های علمی و کاربردی «تهران آینده، به‌گشت مهارت و مدیریت» با اشاره به وضعیت نگران‌کننده ایمنی عابران پیاده گفت: «کاربران آسیب‌پذیر از جمله عابران پیاده سهم قابل توجهی از تلفات تصادفات را به خود اختصاص می‌دهند؛ به‌گونه‌ای که در سطح جهان ۲۲ تا ۲۶ درصد و در ایران حدود ۲۸ درصد جان‌باختگان تصادفات، عابران پیاده هستند». او ادامه داد: «بخش عمده این حوادث در معابر شهری و هنگام عبور عرضی رخ می‌دهد و در کشورهای در حال توسعه بیش از ۹۰ درصد تلفات عابران مربوط به همین گروه است». شعبانی با تأکید بر نقش سرعت و طراحی معابر افزود: «بیش از ۴۰ درصد تصادفات عابران در قطعات بین تقاطعی اتفاق می‌افتد و سرعت عامل اصلی تشدید شدت حوادث است؛ به‌طوری که افزایش سرعت از ۴۰ به ۵۰ کیلومتر بر ساعت، شانس زنده‌ماندن عابر را به کمتر از نصف کاهش می‌دهد. همچنین افزایش گذرگاه‌های عابر می‌تواند تا ۲۴ درصد از تصادفات بکاهد درحالی‌که افزایش تعداد خطوط عبور، خطر تصادف عابران را به‌طور قابل توجهی افزایش می‌دهد». پیمان پژمان‌زاد، مدیر بخش ایمنی حمل‌ونقل مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی هم از افزایش نگران‌کننده تلفات موتورسواران در ایران خبر داد. به گفته او، فقط در تهران میزان جان‌باختگان موتورسیکلت در نیمه نخست سال ۱۴۰۰ بیش از ۳۵ درصد رشد داشته و بازنگری فوری در سیاست‌های ایمنی شهری ضروری است. مدیر بخش ایمنی حمل‌ونقل مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی با اشاره به وضعیت نگران‌کننده ایمنی موتورسواران گفت: «بر اساس گزارش‌های سازمان جهانی بهداشت، کشورهای با درآمد پایین‌تر بیشترین سهم تلفات تصادفات را دارند و بیش از ۶۰ درصد جان‌باختگان موتورسیکلت در جهان را جوانان ۱۵ تا ۳۴ سال تشکیل می‌دهند». او افزود: «در ایران نیز آمارها نشان می‌دهد تلفات موتورسیکلت که تا حدود هفت هزار نفر در سال افزایش یافته بود، پس از یک دوره تثبیت، از سال ۱۴۰۰ مجددا روند صعودی به خود گرفته و در شش‌ماهه نخست همان سال، میزان تلفات در شهر تهران حدود ۳۵ درصد افزایش داشته است». او با تأکید بر لزوم بازنگری در سیاست‌های ایمنی افزود: «افزایش سرعت، ضعف زیرساخت‌های شهری، نبود برنامه‌ریزی جامع ایمنی و چالش‌هایی مانند نداشتن گواهینامه، بیمه و ثبت مالکیت موتورسیکلت‌ها از عوامل اصلی تشدید حوادث است». به گفته پژمان‌زاد، تجربه‌های بین‌المللی نشان می‌دهد اقداماتی مانند مدیریت سرعت، بهبود روشنایی و دیده‌شدن کاربران و اصلاح هندسی معابر از مؤثرترین راهکارهای کاهش تلفات هستند که تحقق آنها نیازمند هماهنگی فرابخشی و ایجاد نهاد راهبر ایمنی در مدیریت شهری است.

جدول ۵۲۳۶ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- شهرستانی در آذربایجان شرقی- ابزاری برای انتقال پیام- مهاجرت دسته‌جمعی۲- تلخ- از سازهای آرشه‌ای موسیقی سنتی ایران- آلبومی با آواز علیرضا قربانی و آهنگسازی علی قمصری۳- حقه‌باز- آبگوشت محلی قم- روادید ۴- خاکستر- چاهک کف حوض- قومی ایرانی ۵- محنت- چند مرتبه- نوعی گیوه ۶- پرتویی الکترومغناطیسی- از نژادهای اسب اصیل ایرانی- صدای گریه بچه ۷- باغ‌وحش خارجی- برخورد- وسیله کمک حرکتی بیماران ۸- کشور آفریقایی که مستعمره فرانسه بود- اتاق قابل حمل- طلق نسوز ۹- بی‌حرکت- همیشگی- از ادات پرسش ۱۰- سیاه و سفیدش خوردنی است- ام‌الشرائین- لغوکردن ۱۱- درخت جوان- سودمند- اشتباه غیرارادی لفظی ۱۲- دندانه سوهان- نام تعدادی از فراعنه مصر قدیم- اشاره ۱۳- وطن- مادر- آخرین حد چیزی ۱۴- فیلمی ساخته داود میرباقری- واضح و آشکار- درخت انگور ۱۵- آزاد- پیروی- کفش ورزشی

عمودی:

۱- اسلحه سامورایی- از فروع دین- حساب و شمار ۲- بی‌گناه- آویخته- آزرده‌خاطر ۳- امیدوارکردن- برای رضای خدا موش نمی‌گیرد- هواپیمایی ملی ایران ۴- جلوافتادن- پناهگاه- خرگوش عرب ۵- چهار من تبریز- آرزوها- جنس- نشانه مفعولی ۶- از ادات پرسش- گدایی- کامیاب ۷- قسمت مهم و اساسی- پرهیزکردن- از ابزارهای شبکه جهانی اینترنت ۸- فیلسوف بریتانیایی که منطق را به زبان فلسفه پیوند داد ۹- حشره‌ای شبیه سنجاقک- تیغ موکت‌بری- درخواست از خدا ۱۰- حفاظ راه‌پله- پیامبر کلیم‌الله- سست ۱۱- خدای درویش- امانت‌داران- از نقوش اسلیمی- صدمه ۱۲- پول روسیه- از یاران امام علی(ع)- ثروت و دارایی ۱۳- محله- رمانی نوشته ژوزه ساراماگو- نوکر و خدمتکار ۱۴- ماده روغنی و شفاف که در تهیه مواد دارویی به کار می رود- نوعی سس غلیظ- بی‌خطر ۱۵- درختی بلند و برگ‌ریز- معصیت- ظرف غذای سربازان در پادگان

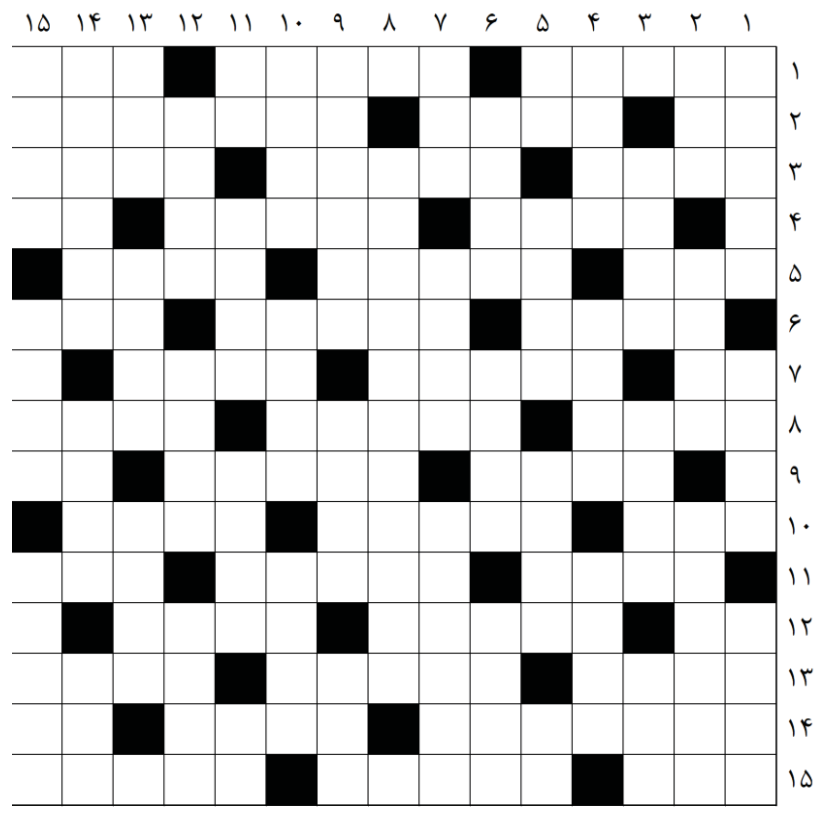

حل سودوکو ۴۲۳۱

۲	۳	۷	۵	۹	۶	۱	۸	۴
۵	۴	۹	۱	۳	۸	۶	۲	۷
۸	۱	۶	۷	۴	۲	۵	۹	۳
۷	۹	۸	۳	۶	۴	۲	۵	۱
۳	۲	۵	۸	۱	۹	۴	۷	۶
۱	۶	۴	۲	۷	۵	۹	۳	۸
۴	۷	۱	۹	۵	۳	۸	۶	۲
۶	۵	۲	۴	۸	۷	۳	۱	۹
۹	۸	۳	۶	۲	۱	۷	۴	۵

۹	۶	۵	۳	۴	۲	۱	۸	۷
۲	۷	۱	۶	۸	۹	۵	۴	۳
۳	۸	۴	۷	۵	۱	۲	۶	۹
۵	۲	۸	۱	۷	۴	۳	۹	۶
۱	۴	۶	۸	۹	۳	۷	۵	۲
۷	۹	۳	۲	۶	۵	۴	۱	۸
۴	۳	۲	۹	۱	۶	۸	۷	۵
۸	۱	۹	۵	۳	۷	۶	۲	۴
۶	۵	۷	۴	۲	۸	۹	۳	۱

حل جدول ۵۲۳۵

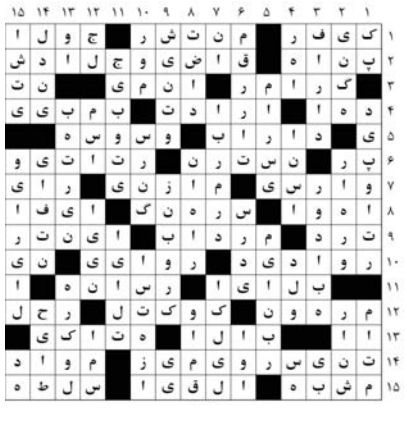

سودوکو سخت ۴۲۳۲

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

		۸		۶		۹		
۴				۸			۷	
			۵	۷				
	۵		۷	۲			۱	
۷	۲		۹		۸		۶	۳
	۹			۴	۱		۵	
				۹	۵			
	۴			۳				۱
		۷		۱		۲		

سودوکو ساده ۴۲۳۲

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

		۵	۷	۸			۱	
					۳	۹		۶
۳	۲					۵		
۶		۹		۱				۵
		۸		۶		۷		
۵				۹		۱		۴
		۳					۲	۱
۱		۷	۹					
	۵			۳	۱	۸		